

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۱

سبک‌شناسی نسخه خطی زبدة الطريق الی الله

(ص ۴۳۲-۴۱۵)

فاطمه توسل پناهی^۱، علی اصغر حلبی (نویسنده مسئول)^۲، شروین خمسه^۳

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۹۵

چکیده

کتاب زبدة الطريق الی الله را درویش علی بن یوسف کرکهری آنطور که خود در دیباچه اثرش میگوید در سال ۸۰۵ به رشته تحریر درآورده است. این کتاب دارای محتوایی عرفانی است که درویش علی آن را بمنظور راهنمایی سالکان راه حق نگاشته است. عمده‌ترین محتوای اندیشه او ورود به عرفان از شاهراه شریعتی زهدآمیز است. درویش علی در این اثر تعلیمی بمنظور تأکید بر لزوم شریعت از آیات قرآنی بوفور استفاده کرده سپس از روایات و سخنان بزرگان تصوف و اشعار آنها بهره برده است بگونه‌ای که میتوان گفت اثر وی بازنمودی از اندیشه‌های صوفیانه عرفای پیشین است او برای مریدانش به وجهی موجز تدوین کرده است. وی صوفیی است که از بیشتر بزرگان تصوف در هر دو مکتب صحو و سکر یاد کرده است و اگرچه وی در کسوت مذهب اهل سنت است بین تشیع و تسنن تساهل و تسامح را رعایت نموده است. کتاب زبدة الطريق در سطح زبانی با استفاده فراوان از عبارات و جملات معترضه، مصادر، حروف جر و استثنای عربی بسیار متأثر از زبان عربی است. در سطح ادبی بسامد بالای اقتباس آیات و روایات، تضمین اشعار فارسی، تمثیل و تصویرسازی و در رده‌های بعدی تشبیه و اضافات تشبیهی، اضافات استعاری، سجع و جناس مشاهده میشود. در سطح نحوی استفاده فراوان از ترکیبات فعلی، آوردن افعال در وجه مصدری و آوردن متمم بعد از فعل از ویژگیهای اثر اوست.

کلید واژه: سبک‌شناسی، زبدة الطريق الی الله، درویش علی بن یوسف کرکهری، عرفان اسلامی.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(tavassolfateme@gmail.com)

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Aliasgharhalabi99@gmail.com)

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Sh.khamse@gmail.com)

مقدمه

در ادبیات از نوع سبک بیان در یک دوره تاریخی سخن گفته میشود که در این معنا برداشتی عام و کلی درباره سبکهای خاص نویسندگان هم‌عصر است که از تشابه کلی آثار آنان منتج شده است (درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات: ۱۰). هر دوره‌ای با تحولات گوناگون اجتماعی، سیاسی و مذهبی روبروست که منجر به تغییر و تحول دانش و بینش افراد آن دوره خواهد شد و به دنبال آن تغییر سبک را نیز به همراه خواهد داشت (کلیات سبک‌شناسی: ۱۷). سبک یک اثر در دو بعد ساخت و محتوا قابل بررسی است، زیرا سبک، طرز نوشتار صاحب اثر است درباره افکار و معانی که وی در ذهن خویش می‌پرورد. هگل سبک را ویژگی ذهن آدمی میدانند که در شیوه بیان و نحوه کاربرد او از واژگان و مصالح زبان نمود پیدا میکند. در نظر ولفین عنصر معنایی موضوع ادبی اهمیت ویژه‌ای دارد و سبک وی بیانگر واقعیت جهان نویسنده است، بدین ترتیب یک اثر ادبی نوعی رسانه اطلاعاتی است که بیان آن سیستم خاص خود را داراست (درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات: ۱۸-۲۱). از این رو در سبک‌شناسی جدای از معنا دقت در نوع واژگان انتخاب‌شده از سوی نویسنده دارای اهمیت است زیرا به تعبیر هاکت افتراق سبکی از تفاوت ساختاری ناشی میشود (کلیات سبک‌شناسی: ۲۹). به بیان دیگر سبک‌شناسی بازنمایی چگونگی شیوه نوشتاری و نگرش و بینش نویسنده در بیان موضوعی است که درباره آن اندیشیده و آن را بیان کرده است.

بیان مسئله

در واکاوی معنایی و واژگانی هر اثر باید این نکات را در نظر داشت، نویسنده با چه زبانی مطالب موردنظر خویش را بیان کرده و به چه میزان در بیان آنها و رساندن اطلاعات به مخاطب موفق بوده است؟ آیا اثر وی ساختاری استدلالی دارد یا توضیحی؟ آیا نگارنده در اثر خود اصرار بر القای ایدئولوژی خاصی دارد؟ آیا اثر وی حاوی نظریه بنیادینی است و مینا و الگویی برای آثار پس از وی بوده یا به بسط و گسترش نظرات دیگران پرداخته است و تنها در بسط و ایضاح نظرات پیشینان خود کوشیده است؟ نویسنده برای روشنی و وضوح مطالب موردنظر خویش از چه مصالح زبانی و با چه میزان استفاده کرده است؟ نسخه خطی زبده الطريق الی الله که اثری در حوزه عرفان تعلیمی است در این مقاله به لحاظ سبکی در سطوح واژگانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار میگیرد.

پیشینه پژوهش

درویش علی بن یوسف کرکهری عارف و صوفی قرن نهم هجری است. از ولادت وی تاریخ دقیقی در دست نیست. درویش علی در مقدمه کوتاهی که بر زبده الطريق نگاشته است سال

کتابت اثرش را ۸۰۵ ق ذکر کرده است. از او بجز این اثر سه اثر دیگر موجود است که دو اثر آن به نامهای شرح احصاء اسماء الله و محک‌العاشقین به ترتیب در تاریخهای ۸۲۰ و ۸۳۵ ق نگاشته شده‌اند. وی اثر دیگری نیز دارد که شرحی بر لمعات فخرالدین عراقی است که تاریخ دقیق نگارش آن را نمیدانیم. در این صورت اگر کتاب زبدة الطريق او را اولین اثرش بدانیم و وی آن را در جوانی و حدود سی سالگی نگاشته باشد تاریخ ولادت او حول و حوش سال ۷۷۵ ق خواهد بود. درویش علی در دیباچه سه اثر خویش دلیل نگارش آثارش را خواهش دوستانش بیان کرده و سوای آن که در زبدة الطريق خودش به طرح پرسشهایی میپردازد و آنها را پاسخ میدهد اثر دیگرش محک‌العاشقین را پاسخ به پرسشهای دوستی عنوان میکند که برای وی عزیز است. وی در دیباچه شرحی بر لمعات عراقی خود نیز دلیل نگارش شرحی بر لمعات را درخواست دوستان خود ذکر میکند که به سبب مشکل بودن مفاهیم آن از وی درخواست میکنند تا مطالب سنگین عرفانی آن را برای آنها بشکافد یعنی درویش علی مجالس درس و وعظی داشته که برای مریدان و دوستان خویش مسائل عرفانی را شرح و بسط میکرده است از این رو آثارش جنبه تعلیمی و مدرسی دارند. آثار وی تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند جز آن که برخی نام آوران به زبدة الطريق و شرح لمعات او اشاره کرده‌اند از جمله سعید نفیسی (تاریخ نظم و نثر در ایران: ج ۱، ۱۶۴ و ۲۸۴)، ذبیح الله صفا (تاریخ ادبیات در ایران: ج ۳، ۱۱۹۸)، هانری کربن (آیین جوانمردی: ۷۷)، سید علی میرافضلی (رباعیات خیام در منابع کهن: ۱۹۹-۲۰۰)، محمدتقی دانش‌پژوه (روزبهار نامه: ۱۶)، محمد اختر چیمه (معارف: ۵۰-۵۱)، بابانی در ایضاح المکنون (ج ۱: ۶۱۱) و مرتضی صراف (رسائل جوانمردان: ۲۷) که در میان فتوت‌نامه‌ها به باب ششم کتاب زبدة الطريق وی اشاره نموده و فاطمه علاقه (مروری بر فتیان و فتوت‌نامه‌ها: ۳۱۰) نیز در مقاله‌اش به این باب از کتاب مذکور اشاره کرده است. نگارنده نیز ضمن تصحیح متن نسخه خطی کتاب زبدة الطريق الی الله مقاله‌ای در معرفی اندیشه و آثار وی و تأثیر اندیشه‌های دیگران بر آثار او نگاشته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

کتاب زبدة الطريق الی الله دارای چندین نسخه است و بیانگر آن است که در زمان خود مورد اقبال و توجه بوده است، همچنین از وی آثار دیگری نیز در دست است که نشان میدهد او مریدانی داشته و به راهنمایی و ارشاد ایشان میپرداخته است. از آنجا که نسخ خطی حامل بخشی از تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم میباشند تفحص و بررسی آنها به کشف برخی موارد

تاریخی، فرهنگی و عرفانی ادوار گذشته و میزان اثرپذیری آنها از دوره‌های پیشین و تأثیرگذاری آنها بر دوره‌های پس از خود یاری میرساند.

بررسی اجمالی سبک نثر دوره تیموری

سبک نثر در دوره تیموری اگرچه از بند تکلف آزاد گشته و به سمت ساده و روان‌نویسی متمایل شده است همچنان در برخی موارد آثار تکلف در آن نمایان است بخصوص در کاربرد واژگان عربی و ترکی به عبارت دیگر سبک نثر در این دوره سبکی بین نثر ساده و نثر فنی است (سبک‌شناسی: ۱۹۸). گاه سادگی و روانی نثر این دوره از فصاحت و بلاغت آن کاسته است با این حال نویسندگان این دوره گاهی در دیباچه‌ها از تشبیه‌هایی استفاده کرده‌اند که در آن از انواع سجع نزدیک به نوشتار قدیم بهره برده‌اند بگونه‌ای که دیباچه‌ها به نسبت متن اصلی فاخر است ولی استواری گذشته را ندارد (سبک‌شناسی نثر: ۱۹۹، ۲۰۷). کاربرد دستور زبان عربی از قبیل هماهنگی صفت و موصوف همچون «اخبار مذکوره» و کاربرد عبارتهای ترکیبی بجای فعل مرکب مانند «دست در دامن متابعت درآوردن» بجای اطاعت کردن، از ویژگیهای نثر این دوره است. اقتباس آیات و احادیث، تضمین اشعار با نشانه مصراع، بیت، شعر و استدلال موضوع با آنها در این دوره بغراوانی دیده میشود و میتوان گفت آمیختن نظم به نثر تنها خصوصیت هنری و بلاغی این دوره است و البته بیشتر این اشعار سست و غیرمعروفند. کاربرد افعال در وجه وصفی، حذف افعال بدون قرینه، استفاده از ضمیر مفرد «آن» برای افراد را نیز میتوان از ویژگیهای سبکی این دوره بشمار آورد. مفاهیم نظری عرفانی خاصی در این دوره بوجود نیامده و آثار عرفانی این دوره بر پایه مبانی نظری عرفانی دوره‌های گذشته شکل گرفته است و متون مذکور بیشتر جنبه تعلیمی و درسی پیدا کرده‌اند (سبک‌شناسی: ج ۳، ۲۰۹، ۲۴۲، ۲۳۷). در این دوره برخی مبادرت به ساده کردن متون دشوار کردند درویش علی نیز در ابتدای شرح لمعات خویش آورده است که چون کتاب لمعات دشوار بود برخی دوستان و رهروان از من درخواست کردند تا مباحث سنگین کتاب را برای آنان ساده کنم تا مفاهیم آن را دریابند. ماده تاریخ نویسی هم موردی است که در این دوره فزونی گرفته (سبک‌شناسی نثر: ۲۰۰) و درویش علی نیز از این شیوه در بیان سال کتابت محک العاشقین خویش بهره جسته است.

ساختار کلی کتاب زبدة الطريق

کتاب زبدة الطريق الی الله که نگارنده آن درویش علی بن یوسف کرکهری است، اثری عرفانی و تعلیمی متعلق به دوره تیموری است از این رو تحت تأثیر ویژگیهای این دوره قرار دارد. از

آنجا که این کتاب اثری عرفانی است بسامد واژگان دینی و عرفانی در متن بیشتر است به عبارتی رمزگان مسلط بر آن رمزگان نهاد تصوف است. رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم میکند و بنیاد آن بر بافت و فرهنگ است. این نوع رمزگان که در طبقه‌بندی رمزگانهای اجتماعی، رمزگان ساختاری بشمار میرود مربوط به نظام مشخص زهد و تصوف است (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها: ۲۶۰-۲۶۱). این کتاب که به لحاظ فکری متأثر از تفکر متشرعانه و عرفانی است دنباله رو مبانی نظری عرفان ادوار گذشته خویش است. نوع متن این رساله تعلیمی ارسال پیام مستقیم به خواننده (سالک راه حق) است و جنبه‌ای روایی دارد از این رو رسایی و گویایی پیام برای نگارنده بیش از آرایش متن اهمیت دارد اگرچه از آرایه‌های ادبی تهی نیست. این کتاب دارای دیباچه‌ای کوتاه است که نگارنده پس از حمد و سپاس حق تعالی و درود بر پیامبر و آل و اصحاب او به معرفی خود، سال نگارش کتاب و نام آن، تعداد بابهای اثر و نام آنها پرداخته است. وی در دیباچه نه فردی را ستوده و نه کتاب را به فرد خاصی تقدیم نموده است. دیباچه خالی از تکلف زبانی است به جز اینکه در همان ابتدا حاوی عبارات، ترکیبات و جملات عربی است. متن پس از هر باب تار و پودی از آیات و روایات و سخنان بزرگان تصوف دارد سپس با عبارت خطابی «ای سالک راه حق» نکات عرفانی، اخلاقی و دینی را با استناد به آیات و روایات و سخنان بزرگان دین و تصوف و برخی حکایات استدلال و تبیین کرده است. عبارت خطابی «ای سالک راه حق» و عبارات «بدان که» و «بر تو باد که» تا انتهای اثر تکرار شده و جنبه تذخیر و تذکار دارد. نگارنده در تمام کتاب از آوردن ترجمه آیات و عبارات عربی خودداری نموده که تا حدودی به تکلف متن دامن زده است ولی در ضمن اثر به توضیح آنها و برخی اصطلاحات عرفانی نیز پرداخته است. ساختار متن بدین گونه است که در ابتدای بابها متن مشحون از آیات و عبارات و اقوال عربی است و در میانه برخی جاها با حکایتی تزیین شده و بیشتر در انتها ابیات هم محتوا با متن آمده است. این اشعار که در متن با بیت، شعر، مثنوی، رباعی مشخص شده‌اند بیشتر تضمینی از اشعار شاعران و عارفان بزرگند که بیشتر با مشخصه آن بزرگ بدون ذکر نام آمده‌اند و اندک مواردی هست که نام شاعر در متن بیان شده است. در این کتاب بیشتر از اشعار شیخ محمود شبستری، نجم دایه، عراقی، مولانا و عطار آورده شده است و برخی ابیات سست نیز در آن بچشم میخورد که بنظر میرسد از خود درویش علی باشد و اشعار عربی در آن بسیار کم است. (معرفی اندیشه و آثار درویش علی بن یوسف کرکهری و ... ۱۳۹۸، ۹۰) اقتباس از آیات در این اثر از بسامد بالاتری نسبت به احادیث و گفتار بزرگان برخوردار است. وی به منظور وضوح مطالب گاهی به بیان حکایات نیز دست یازیده است که در این حکایات نیز رنگ متشرعانه در کنار رنگ عارفانه حفظ شده است، مانند اهمیت خوردن لقمه حلال در حکایت شیر خوردن ابوبکر

صدیق (به قول مؤلف رضی الله عنه) و رعایت تقوی در مقابل فتوی در چکیدن گل بر جامه امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله علیه). با این وجود اثر مذکور به نسبت سنگینی موضوع از ایجاز برخوردار است. از آنجا که کتاب زبدة الطريق الی الله کتابی تعلیمی برای سالکان است و مؤلف در نگارش آن به فکر و محتوا بیش از آرایش متن اهمیت داده است، ابتدا به بررسی اثر در سطح فکری میپردازیم و سطوح زبانی، نگارشی، نحوی و ادبی اثر بعد از آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سطح فکری

مسائل تاریخی و جامعه‌شناختی در دوره‌های مشخص زمانی بر سبک بیان و نگرش نویسندگان اثر بسزایی دارند اینکه درویش علی در کتاب خود شیوه تساهل را بین دو فرقه اسلامی تشیع و تسنن برگزیده یا از هر دو مکتب صحو و سکر در اثر خویش بهره جسته است و تنها یک مورد به لعن باطنیان پرداخته است، نظر به مسائل تاریخی و اجتماعی عصر او دارد. اعتقاد وی به قدیم بودن قرآن و ایمان نیاوردن ابوطالب به اسلام دو موضوعی است که او را در سلک اهل سنت نشان می‌دهد. عمده‌ترین محتوای فکری او در این کتاب التزام وی به شریعت است که آن را به مریدانش نیز توصیه می‌کند و عنصر سبکی او مبتنی بر ارشاد و راهنمایی است. واژگان مرتبط با شریعت در اثر او واژگانی چون زهد، حلال، حرام و شبهه در خوردنیها، رخصت، فتوی، تقوی، ترک واجبات، حق الناس، بدعت و واژگانی از این دست است. وی در متن شریعت و طریقت را همگام با یکدیگر پیش برده است بعنوان مثال برای شعائر چون وضو و غسل و نماز در مقابل هر یک از اعمال ظاهری مربوط به آنها به ذکر اعمال باطنیشان نیز پرداخته است. نگارنده شریعت را تنها راه عبور سالک برای دستیابی به جاده طریقت میدانند و معتقد است که علم حقیقت را خداوند با خواست خود بر دل سالک نازل می‌کند. درویش علی افزون بر نظرات عرفانی پیش از خود نظرات بنیادینی ارائه نداده است و بیشتر به توضیح و تبیین نظرات عرفانی پیشین پرداخته و حتی در آوردن حکایات نیز از سخنان عرفای بزرگ پیشین بهره جسته است که استغنای عمقی به اثر او میبخشد و اندیشه عرفانی و اخلاق دینی را در اثر او منعکس می‌سازد. در برخی اندیشه‌ها همچون عدل و تقسیم اهل توحید به سه طایفه ذوالعقل، ذوالعین و ذوالعقل و العین تحت تأثیر عراقی و ابن عربی است (معرفی اندیشه و آثار درویش علی بن یوسف کرکهری و ...، ۱۳۹۸، ۱۴-۱۸). در اوایل دوره تیموری با پیدایش فرقه حروفیه کتابهایی به زبان رمزی نگاشته شد (سبک‌شناسی نثر: ۲۰۲) درویش علی نیز در انتهای باب چهاردهم کتاب زبدة الطريق ش در بحث توحید اشاره گذرایی به حروف و اعداد کرده است. این که وی در این مورد تنها به

اشاره‌ای بسنده کرده به دلیل گرفت و بندهای تاریخی است قتل فضل الله استرآبادی بنیانگذار فرقه حروفیه در سال ۸۰۴ ق رخ داده و قتل عمادالدین نسیمی از پیروان استرآبادی به سال ۸۱۱ ق واقع گردیده است و درویش علی سال نگارش اثرش را در دیباچه مختصرش سال ۸۰۵ ق ذکر میکند به احتمال زیاد اشارت مختصر او به حروف و اعداد در همین کتاب انگیزه از این رخدادهای اجتماعی باشد. لازم به ذکر است که ابن عربی باب دوم تا هفتم فتوحات مکیه خود را به بحث در اعداد و حروف اختصاص داده است (تشیع و تصوف: ۱۸۴-۱۸۵) به لحاظ اندیشه‌های فلسفی رگه‌هایی از تأثیر افکار ابن عربی در آثار درویش علی نمایان است. او به پیروی از اندیشه وحدت وجود ابن عربی معتقد است که یک وجود مطلق با همه اسماء و صفات خود بر مظاهر مختلف ممکنات نمود یافته است (باب چهاردهم، ۱۲۷). او به فعل و خلق ابن عربی مبنی بر آن که ظهور حق در مظاهر هستی تجلی اوست نه حدوث از عدم نیز باورمند است (باب پانزدهم، ۱۳۳). در زبدة الطريق او اشارات کلامی با توضیحهایی مختصر در باب وجود و معدوم، جبر و اختیار، عدل و ظلم، توحید ذاتی، صفاتی و افعالی، اسباب و مسبب، حدوث و قدم و قدیم بودن قرآن دیده میشود. درویش علی بن یوسف تحت تأثیر عرفان عاشقانه احمد غزالی نیز بوده است. وی در اثر دیگرش با نام محک العاشقین که به گفته خود او در پاسخ به پرسش دوستی نگاشته است و آن را با عباراتی از عقل سرخ شیخ شهاب الدین سهروردی آغاز کرده است به بررسی مفاهیم عشق و عاشق و معشوق پرداخته و عشق زمینی را دستمایه‌ای برای رسیدن به عشق حقیقی دانسته است.

۱- ویژگیهای سبکی

۱-۱ ویژگیهای سطح زبانی

در دوره مذکور نثر فارسی اگرچه به سوی سادگی متمایل میشود ولی به لحاظ وفور کاربرد واژگان، اصطلاحات و عبارات عربی و ترکی از نوعی تکلف برخوردار است. در کتاب زبدة الطريق نیز این ویژگیها نمایان است بجز اینکه در این کتاب واژگان ترکی دیده نمیشود.

۱-۱-۱ استفاده از حروف جر، استثنا و مثنای عربی:

وفقر حقیقی حاصل نشود الاّ به فنای سالک در دارین (زبدة الطريق، ص ۱۳۲)

بدانک در این مقام نتوان رسیدن الاّ به گزاردن طاعت (زبدة الطريق، ص ۷۳)

از مهربان در وجود نیاید الاّ شفقت (زبدة الطريق، ص ۱۱۶)

و چون وجود علی الحقیقه مضاف است به حق پس افعال تابع وجود باشند (زبدة الطريق،

ص ۱۲۶)

- ۱-۲-۱ کاربرد مصادر عربی:
پس جمیع صفات و افعال که در ایام جهالت به خود و کاینات اضافت میکرد اسقاط کند
(زبدة الطريق، ص ۱۲۵)
- نهایت فقر بدايت دعوی الوهیت است (زبدة الطريق، ص ۱۳۳)
روح می‌خواهد که به عالم خود طیران کند... (زبدة الطريق، ص ۹۹)
- ۱-۲-۳ کاربرد عبارات عربی:
و ما اشبه ذلك جمله دال‌اندبر توحید افعال. (زبدة الطريق، ص ۱۲۶)
آنکه بدانی که مَنْ رَأَى... چه معنی دارد و مَنْ لَمْ يُدِّقْ لَمْ يَعْرِفْ. (زبدة الطريق، ص ۱۳۶)
فافهم (زبدة الطريق، ص ۱۱۶)
- ۱-۲-۴ جملات معترضة دعایی:
غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه و یرحم الله عبداً یقول آمین... (زبدة الطريق، ص ۵۷)
کرم‌الله وجهه (زبدة الطريق، ص ۶۶)
قدس الله ارواحهم... (زبدة الطريق، ص ۵۹)
- ۱-۲-۵ مطابق عدد و معدود به شیوه زبان عربی:
در وزیدن باد نظر کن که صدهزار اشجار در حرکت می‌آیند... (زبدة الطريق، ص ۱۲۶)
- ۱-۲-۶ ترکیبات تازه:
بر تو باد که بدانی عالمترین خلق مطیع ترس کارست... (زبدة الطريق، ص ۷۵)

۲-۱ برخی ویژگیهای نگارشی

- ۱-۲-۱ جدا نوشتن نون نفی از کلمه:
خویشتن حقیرتر نه بینی (زبدة الطريق، ص ۹۲)
نیت کنند که من بعد از ما فعلی صادر نشود که آن نه لله بود (زبدة الطريق، ص ۸۴)
و موحد جز حق نه بیند به دیده حق... (زبدة الطريق، ص ۱۲۸)
- ۱-۲-۲ بکار نبردن های ملفوظ در «بدان که»، «از آن که»، «چنان که» و «بلکه»:
ای سالک راه حق بدانک خدای تعالی تو را مملکتی داده است (زبدة الطريق، ص ۱۱۸)
دوستدارم از آنک با اهل دنیا نشینم (زبدة الطريق، ص ۱۳۱)
مثلاً چنانک الف به نقطه که اگر نقطه نباشد الف ظاهر نگردد. (زبدة الطريق، ص ۱۲۹)

خدای تعالی تو را به عبث نیافریده است بلکه از بهر معرفت و طاعت آفریده است. (زبدة الطريق، ص ۶۳)

۱-۲-۳ بکار بردن «بد» بجای حرف اضافه «به»:

بدانی که خدای تعالی هر عضوی از وجود تو برای چه کار آفریده‌است، پس آن عضو را مخصوص گردانی بدان فعل. (زبدة الطريق، ص ۱۱۹)

بعد از آن به تشهد نشیند که مقام شهود است، پس ثنا گوید ازو بدو. (ا زبدة الطريق، ص ۸۷)
بعد از آن تو را بشارت باد بدین آیت... (زبدة الطريق، ص ۶۳)

۱-۳ ویژگیهای سطح نحوی

۱-۳-۱ حذف فعل به قرینه لفظی:

یعنی تجرید ترک غیر محبوب کردن است و تفرید ترک خود کردن (زبدة الطريق، ص ۱۲۴)
و جوانمرد کسی است که دنیا را با اهلش بگذارد و آخرت را با اهلش (زبدة الطريق، ص ۸۹)
۱-۳-۲ جابجایی ارکان جمله:

یا رسول الله حساب ما فردای قیامت که خواهد کرد... (زبدة الطريق، ص ۷۴)

چون عام را استعداد چنین جنتی نبود، خدای تعالی مشفق است بر بندگان خود زلف حوریانرا دام ایشان کرد (زبدة الطريق، ص ۷۰)

۱-۳-۳ وجود تعقید به سبب حذف فعل:

چون قول خدا و رسول خدا را به فعل آورده باشی از ریا و شرک خالی تو را مژده باد بدین آیت (زبدة الطريق، ص ۶۸)

یعنی: از ریا و شرک خالی [میشوی آنگاه] تو را مژده باید.

۱-۳-۴ فاصله بین اجزای فعل مرکب:

بر تو باد که پشت بر موانع کنی (زبدة الطريق، ص ۸۰)

طلب پیری کامل محقق باید کردن (زبدة الطريق، ص ۵۷)

۱-۳-۵ ناهمخوانی افعال:

که چون مریض شفقت و مرحمت طبیب را در حق خود مشاهده کرد و به حقیقت بداند که جمله قول و فعل طبیب چون گرسنگی و تشنگی و شربتهای تلخ و جراحتهای جمله موجب صحت او بوده است، پس به غایت خشنود شود... (زبدة الطريق، ص ۱۱۵)

۱-۳-۶ کاربرد مصدر مرخم:

الهی با آدم چندان کرامت کردی و او بی فرمانی کرد و تو بر وی رحمت کرد (زبدة الطريق، ص ۱۱۷)

۱-۳-۷ کاربرد قدیمی افعال:

و گفتندی که ما روشنایی دل در گرسنگی یافتیم (زبدة الطريق، ص ۱۰۵)

دانستمی که خیر من در آن بلاست (زبدة الطريق، ص ۱۰۹)

و بیاید دانستن که هر بلایی که در راه سالک آید (زبدة الطريق، ص ۹۹)

اگر لایعقل نبودندی دشمن خدای تعالی را به دوست نگرفتندی (زبدة الطريق، ص ۹۵)

۱-۳-۸ کاربرد فعل در وجه وصفی:

از بهر آنکه رو به آب و علف دنیا آورده بودند و هواپرست شده و روز حساب در آتش حسرت و ندامت بودندی... (زبدة الطريق، ص ۷۰)

و جمال الله نورالسموات و الارض نقاب گشاده، با ایشان در میان نهاده که و نحن اقرب الیه من ورید چه معنی دارد... (زبدة الطريق، ص ۱۲۷)

۱-۳-۹ آوردن «مر» قبل از مفعول صریح:

بدانک حمد تعریف حامدست مر محمود را (زبدة الطريق، ص ۱۱۷)

پس به قرائت فاتحه مشغول شوند و عبارت از فاتحه حمد و شکر است مر خدای تعالی را... (زبدة الطريق، ص ۸۶)

۱-۳-۱۰ کاربرد «را» بجای حرف اضافه:

و این مقام تو را وقتی حاصل شود (زبدة الطريق، ص ۱۲۰)

حرام بودن آن چیز ما را به یقین معلوم نیست (زبدة الطريق، ص ۱۰۶)

۱-۳-۱۱ کاربرد وجه مصدری معکوس:

و نفست را از کردن بدیها نگاه می داری (زبدة الطريق، ص ۱۱۹)

ای سالک راه حق بدانک، کردن عدل سه نوع است (زبدة الطريق، ص ۱۱۸)

۱-۳-۱۲ آوردن ترکیبات فعلی:

خدای تعالی تو را به دوست گیرد (زبدة الطريق، ص ۶۳)

فقیر کسی است که با سر خرقه نیستی خود رفته باشد (زبدة الطريق، ص ۱۳۱)

کمر عبودیت درمیان بندی و مکارم اخلاق را کار فرمایی (زبدة الطريق، ص ۹۱)

چون تو را این درد پیدا شده است بر تو باد که دست در دامن پیر زنی... (زبدة الطريق، ص ۵۹)

۱-۳-۱۳ آوردن متمم بعد از فعل به شیوه زبان عربی:

یعنی بازگردید از گناه و روی آرید به خدا... (زبدة الطريق، ص ۷۶)

بر تو باد که توبه کنی از غیر خدای تعالی... (زبدة الطريق، ص ۷۸)

۱-۳-۱۴ آوردن «می» بر سر فعل امر:

امیدوار باش به رحمت بی‌نهایت او و می‌ترس از عذاب او. (زبدة الطريق، ص ۷۵)

تو طاعت او را بجا می‌آور (زبدة الطريق، ص ۱۱۳)

۱-۳-۱۵ فعل مرکب «کار فرمودن»:

و هر که رو به دنیا آرد و هوای نفس را کار فرماید... (زبدة الطريق، ص ۹۵)

کمر عبودیت در میان بندگی و مکارم اخلاق را کار فرمایی (زبدة الطريق، ص ۹۱)

۱-۳-۱۶ وفور استفاده از واو ربط بین جملات:

مانند مریضی بود که در دست طبیبی باشد و او را یقین بود که این طبیب در طب حاذق

است و بر وی شفقتی بی حد دارد (زبدة الطريق، ص ۱۱۵)

وفا عهد دوست را کمر بستن است و فنا از خود برستن است و بقا به حق پیوستن است.

(زبدة الطريق، ص ۱۳۸)

او گناهان مقدم و مؤخر را بیمارزد و در خبرست که... (زبدة الطريق، ص ۷۴)

و تشنگی و درویشی و خواری خلق و عبادت او نه از خوف دوزخ باشد و نه راحت جنت (زبدة

الطريق، ص ۸۹)

۱-۳-۱۷ کاربرد حروف اضافه (در بجای بر، بر بجای به، در بجای به):

قفل بشریت که در دل توست که ام علی قلوب افعالها بردارند... (زبدة الطريق، ص ۶۰)

شیخ سنگی بر روی ایشان انداخت همه بگریختند. (زبدة الطريق، ص ۷۹)

پس هر چه از دنیا در دست او رسد، امانت داند... (زبدة الطريق، ص ۸۹)

۱-۳-۱۸ کاربرد «با» در معنی «به»:

و سالک از این شرک وقتی خلاص یابد که در سیر با وی خطاب کنند... (زبدة الطريق، ص ۱۲۵)

و خدای تعالی با داود نبی علیه السلام وحی کرد... (زبدة الطريق، ص ۹۸)

۱-۳-۱۹ تکرار حرف «که»:

و هر کاری که کنی بدانی که در پیش نظر خدای تعالی است (زبدة الطريق، ص ۱۲۰)

وقتی خلاص یابد که در سر وی با وی خطاب کنند که (زبدة الطريق، ص ۱۲۵)

عدل در افعال آن است که بدانی که... (زبدة الطريق، ص ۱۱۹)

۱-۳-۲۰ آوردن فعل در وجه مصدری:

تا از هستی خود خلاص نیابی از گناه خلاص نتوانی یافتن (زبدة الطريق، ص ۱۳۵)

هر شیء از روی صورت فانی است، اما حقیقت آن شیء باقی خواهد بود (زبدة الطريق، ص ۱۳۵)

و از شرک خلاص نتوان یافتن الا به توحید (زبدة الطريق، ص ۱۲۵)

حساب مملکت از تو طلب خواهد کردن (زبدة الطريق، ص ۱۱۹)

۴-۱ ویژگیهای سطح ادبی

۱-۴-۱ جناس اشتقاق:

ای سالک راه حق! بدانک حمد تعریف حامدست مر محمود را (زبدة الطريق، ص ۱۱۷)

۱-۴-۲ جناس قلب:

و هر چیزی را ظاهری است، ظاهر عرش شرع است... (زبدة الطريق، ص ۸۲)

۱-۴-۳ سجع:

آنکه گوید الهی تا تو همه غیب بودی من همه عیب بودم، چون تو از غیب جدا شدی من از عیب پیدا شدم (زبدة الطريق، ص ۱۳۵)

بزرگان طریقت و خزینه اسرار حقیقت چنین گفته‌اند (زبدة الطريق، ص ۵۷)

هرچه در دست داری بدهی و هرچه در سر داری بنهی و هرچه به تو رسد از آن بجهی (زبدة الطريق، ص ۱۳۲)

۱-۴-۴ ترصیع:

پس در مقام رضا آید، هرچه آید او را باید و هر چه باید او را آید. (زبدة الطريق، ص ۱۲۷)

۱-۴-۵ تناسب:

شخصی که او را اشعه آفتاب فروگیرد در نظر او کثرت ستاره مرتفع گردد. (زبدة الطريق، ص ۸۶)

۱-۴-۶ تناقض نمایی:

مشایخ قدس الله ارواحهم گرسنگی و تشنگی را غذای خود ساختند (زبدة الطريق، ص ۱۰۵)

۱-۴-۷ تشبیه:

بدانک دل محل گنجی است و نفس چون مار بر سر گنج (زبدة الطريق، ص ۹۹)

و هوای نفس بندی گران است بر پای سالک (زبدة الطريق، ص ۹۹)

۱-۴-۸ تشبیه تمثیل:

دل محبان به خانه شیر ماند چنانک در خانه شیر هیچ جانوری وطن نتواند ساختن ... (زبدة

الطريق، ص ۱۲۴)

متوکل... خود را در نعمت خدای تعالی چنان غرق بیند که ماهی خود را در آب... (زبدة

الطريق، ص ۱۱۲)

۱-۴-۹ اضافه تشبیهی:

و چون دیگ معده را پر از طعام کنی (زبدة الطريق، ص ۱۰۴)

دل را... از خار و خاشاک حدثان به جاروب تجرید پاک کنی (زبدة الطريق، ص ۱۰۱)

بیخ او را که هوای اوست به مقراض تقوی قطع کنی (زبدة الطريق، ص ۱۰۰)

اگر مطلوب حقیقی میخواهی، بر مرکب طلب بنشین و تازیانه مجاهده در کف گیر و کمر

رغبت در میان بند و جوشن اخلاص درپوش و زاد بی‌برگی برگیر (زبدة الطريق، ص ۹۷)

۱-۴-۱۰ اضافه استعاری:

اگر متکبر به دیده عقل نظر کند... (زبدة الطريق، ص ۹۱)

چون سیلاب اجل دررسد... (زبدة الطريق، ص ۹۱)

۱-۴-۱۱ استعاره:

بدانک محبت دست در گردن طاعت کردن است (زبدة الطريق، ص ۷۸)

تیغ لا اله الا الله برکش و گردن نفس و هوا را بزن ... (زبدة الطريق، ص ۹۷)

بر تو باد که دست در گردن تقوی آری (زبدة الطريق، ص ۱۰۸)

۱-۴-۱۲ اقتباس:

اقتباس از آیات قرآن کریم، احادیث، روایات و سخنان بزرگان صوفیه از مهمترین ویژگیهای آثار عرفانی است که بخصوص در نشرهای تعلیمی عرفانی کاربرد فراوان دارد و به صور مختلف آیات و احادیث را به متن پیوند میدهد تا جایی که گاهی دوگانگی زبان فارسی و عربی در

بافت جمله بچشم نمی‌آید (مصفا، ۱۴۲). اقتباس در کتاب مذکور به شیوه‌های مختلف بکار برده شده است از قبیل: نقل قول، پیوند آیه یا حدیث با حرف ربط «که» و «و»، بدون واسطه یا با کسره اضافه. ارتباط معنوی آیات و احادیث و گفتار بزرگان در متن به جهت شرح مطالب، تأیید و تأکید و یا به صورت مسندالیه و یا تشبیه است یعنی کاربرد آیه یا حدیث در حکم مشبه‌به.

الف) اقتباس از آیات قرآن کریم:

کل يوم هو فی شأن خود گواهی میدهد که... (زبدة الطريق، ص ۱۲۶)

پس در مقام رضا آید، هر چه آید او را باید و هر چه باید او را آید و ما تشاءونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رب العالمین (زبدة الطريق، ص ۱۲۷)

کسی را که خدای تعالی بینایی بصیرت داده باشد فالهمها فُجُورَهَا وَ تَقْوِيَهَا خود بیان میکند (زبدة الطريق، ص ۱۲۶)

هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن، این است نظر انبیاء و اولیاء و کاملان در توحید (زبدة الطريق، ص ۱۲۸)

رئیس‌سالار ایشان شیطان است که در کمین نشسته است و شمشیر قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ در دست گرفته (زبدة الطريق، ص ۶)

ب) اقتباس از احادیث:

پس آن اندیشه کنی، که سزاوار حضرت باشد که تفکر سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً (زبدة الطريق، ص ۱۲۰)

که علم حقیقت در مکتب ادّنبی ربّی فاحسن تأدیبی باید آموختن (زبدة الطريق، ص ۶۰)

بعد از آن گویی لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً (زبدة الطريق، ص ۶۰)

و رسول علیه السلام از خدای تعالی پیوسته درخواست میکرد که اجوعُ يوماً و اشبعُ يوماً (زبدة الطريق، ص ۱۰۶)

ج) اقتباس از کلام بزرگان صوفیه:

از فقر حقیقی آن بزرگ حین خبر داده است که الفقیرُ لا یحتاجُ إِلَى اللَّهِ... (زبدة الطريق، ص ۱۳۱)

هرگاه اضافت ساقط گردد که التوحید اسقاط الاضافات (زبدة الطريق، ص ۱۳۲)

دوستی کسی را شاید که افعال دوست را دوست دارد و درین مقام گفته‌اند کل ما یفعل المحبوب محبوب (زبدة الطريق، ص ۷۹)

رضا جستن خدای تعالی است بر مخالفت نفس که الریاضةُ الخروجُ عَنْ رِضَاءِ نَفْسِهِ بالدخول (زبدة الطريق، ص ۹۹)

۱-۴-۱۳ تضمین اشعار:

مؤلف اشعار را گاه با درج نام شاعر و به صورت نقل قول آورده، گاهی بدون اشاره و واسطه‌ای آن را نقل کرده است و بیشتر از شاعر نامی به میان نیاورده و با عبارت «آن بزرگ» یا «آن عزیز» شعر را به نثر بمنظور تأیید و تأکید پیوند زده است. اشعار عربی در اثرش بسیار کم است. وی اشعار را با عناوین بیشتر شعر، رباعی، مثنوی، فرد و گاهی بی هیچ اشاره‌ای آورده است.

اما بدان که علم حال در قال در نمی‌آید چنان که شیخ اوحوالالدین کرمانی قدس الله روحه میفرماید: (زبدة الطريق، ۶۵)

رباعی:

اسرار طریقت نشود حل به سؤال نه نیز به در باختن منصب و مال

تا دیده و دل خون نکنی پنجه سال از قال تو را ره نمایند به حال

بر تو باد که بندگی کنی خدای تعالی را نه از خوف دوزخ و راحت بهشت، همه این بیت خوان

(زبدة الطريق، ۷۱)

شعر:

ما را چه غم ز دوزخ و با خلدان چه کار دل داده‌ایم ما بر دلدار میرویم

*شعر از نجم رازی است.

شعر:

يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ مَنْ يَتُوبُ فَكَيْفَ تَرَى حَالَ مَنْ لَا يَتُوبُ

۱-۴-۱۴-تصویرسازی

رئیس‌سالار ایشان شیطان است که در کمین نشسته است و شمشیر قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَاغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ در دست گرفته (ص ۵۹)

چون کلید **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ** از حضرت **وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ** برسد قفل بشریت که دردل توست که **«أَمَّ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»** بردارند، چون این قفل از دل برداشته شود دیده دل تو گشاده گردد (ص ۶۰)

چون خدای تعالی خواهد که دل بنده را از غیر خود خالی گرداند، اول حزن را به فراشی فرستد تا جای خالی کند (ص ۱۲۴)

۱-۴-۱۵- تمثیل

ایمان، چون مرغی است و خوف و رجا دو پر او (ص ۷۳)

متکبر داریم در خلق خدای تعالی به چشم حقارت نگرد، چنان که طاووس هر وقت که در وضع خود نگیرد و در وضع مرغانی دیگر، در وی تکبر و عجب پیدا آید و مغرور حسن خویش شود (ص ۹۱)

دنیا مثل طاسی است پُر عسل و زهرآلود (ص ۹۶)

هر شیء از روی صورت، فانی است اما حقیقت آن شیء باقی خواهد بودن مثلاً همچو هلاک برف، اگرچه صورت برف فانی گردد اما حقیقتش که آب باقی باشد (ص ۱۳۵)

نتیجه‌گیری

سبک نثر کتاب **زبدة الطريق الى الله** از الگوی سبکی دوره خودش پیروی میکند. کتاب مذکور متنی عرفانی- تعلیمی است که درویش علی آن را به صورتی موجز برای گروهی از مریدانش نگاشته است بنابراین نگارنده به محتوا بیش از آرایش متن توجه داشته است. اقتباس مهمترین ویژگی آثار عرفانی است که از دیرباز بین عرفا رایج بوده بخصوص در نثرهای عارفانه تعلیمی از ارکان بحساب می‌آمده است. در این شیوه نگارنده ابتدا سخن خویش را بیان میکند سپس آیه، حدیث یا سخنان بزرگان را به صورت نقل قول بیان میکند یا بدون واسطه به عبارت بعدی متصل میکند و در مواردی هم با استفاده از حروف ربط همچون که، و، هم به عبارت بعدی می‌پیوندد. ارتباط بین سخن نگارنده و آیات و اقوال عربی بمنظور تأکید، تکمیل، توصیف و تشریح و گاه در حکم مشبه به است. استفاده از روایات و سخنان بزرگان و تضمین اشعار در رده بعد قرار دارد. تضمین اشعار در اثر وی بیشتر برای تأکید و تأیید کلام است. وی برخی موارد ابیات را با نام شاعر آن می‌آورد و بیشتر با صفت «آن بزرگ» یا «آن عزیز» از آنان یاد میکند. او از حکایات مختلف برای ایضاح مطالب شرعی و عرفانی استفاده نموده است. در سطح واژگانی بسامد واژگان و عبارات عربی در متن بالاست وی از حرف استثنای عربی **إلا** در جملات به شیوه زبان عربی بوفور استفاده کرده است. در سطح نحوی آوردن متممها بعد از فعل، افعال در وجه مصدری، ترکیبات فعلی، استفاده از

حرف را بجای حرف اضافه و در سطح ادبی اقتباس از آیات و احادیث، درج و تضمین اشعار، تصویرسازی، تمثیل، تشبیه و اضافات تشبیهی، استعاره و اضافات استعاری بالاترین میزان را در اثر مذکور به خود اختصاص داده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. آئین جوانمردی کربن، هانری، ترجمه احسان نراقی (۱۳۶۳)، تهران، نشر نو، چ اول.
۲. ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بابانی، محمدامین بن میرسلیم (۱۹۶۷، ۱۳۷۸)، مکتبه الاسلامیه و الجعفری تبریزی، الطبعة الثالثة.
۳. بررسی شروح لمعات عراقی، اختر چیمه، محمد، مجله معارف، دوره ۱۳، ش ۲، مرداد-آبان ۱۳۷۵.
۴. بررسی نثر صوفیانه از سده پنجم تا قرن هشتم ه.ق.، مصفا، اکرم، ادیان و عرفان، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۸.
۵. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی، صفا، ذبیح الله (۱۳۸۹)، تهران، فردوس، چ هشتم.
۶. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تهران، فروغی، ۲ جلد.
۷. تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، الشیبی، کامل مصطفی، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو (۱۳۹۶)، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم.
۸. درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، عبادیان، محمود (۱۳۷۲)، تهران، مؤسسه انتشارات آوای نور، چاپ دوم.
۹. رباعیات خیام در منابع کهن، میرافضلی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۲)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ اول.
۱۰. رسائل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، صراف، مرتضی، مقدمه و خلاصه فرانسوی از هنری کربن (۱۹۷۳، ۱۳۵۲)، تهران، قسمت ایران‌شناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی.
۱۱. روزبهان نامه، دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۷)، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۲. زبدة الطريق الی‌الله، درویش علی بن یوسف کرکهری، نسخه خطی.
۱۳. سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۷۳)، جلد سوم، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ ششم.
۱۴. سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، تهران، نشر میترا، چاپ یازدهم.
۱۵. سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، تهران، سخن.
۱۶. شرح احصاء اسماء الله الحسنی، درویش علی بن یوسف کرکهری، نسخه خطی.
۱۷. شرح لمعات عراقی، درویش علی بن یوسف کرکهری، نسخه خطی.

۱۸. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، تهران، فردوس.
۱۹. محک العاشقین، درویش علی بن یوسف کرکهری، نسخه خطی.
۲۰. مروری بر فتیان و فتوت‌نامه‌ها، علاقه، فاطمه، (۱۳۷۷)، فرهنگ، شماره ۲۵ و ۲۶، ۲۹۵-۳۱۸.
۲۱. معرفی اندیشه و آثار درویش علی بن یوسف کرکهری و تأثیر اندیشه‌های دیگران بر آثار او، توسل‌پناهی، فاطمه، حلبی، علی اصغر و دیگران، دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.